

بررسی جایگاه رویکرد منطقه گرایی انتقادی در معماری معاصر ایران* (۱۳۹۰-۱۳۱۰)

فاطمه آهنی

دکتری معماری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فومن و شفت، n.ahani81@gmail.com

*این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی با عنوان "منطقه گرایی در معماری معاصر ایران" است که در سال ۱۳۹۱ تحت حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد فومن و شفت به انجام رسید.

چکیده

منطقه گرایی انتقادی در معماری رویکردی است که با تکیه بر موضعی انتقادی و خودپرسشگر می کوشد تا رابطه ای دیالکتیک میان تمدن های جهانی و فرهنگ های محلی برقرار ساخته و بدون گرفتار شدن در دام تمایلات واپسگرا و نژادپرستانه به خلق هم نهاده ای از الگوهای بومی و دستاوردهای تکنولوژیک معاصر نائل آید؛ راهکاری برای حل چالش دیرین میان سنت و مدرنیته که علیرغم گذشت بیش از سه دهه از زمان مطرح شدن آن در غرب، چندان که باید در مباحثات معماری معاصر ایران بدان پرداخته نشده است. لذا در این مقاله بنیان های فکری رویکرد مذکور، معرفی و از بررسی تطبیقی دیدگاههای چند تن از نظریه پردازان برجسته این حوزه، شاخصه های معماری منطقه گرایی انتقادی استخراج گردیده است. در نهایت نیز تعدادی از آثار شاخص معماری معاصر ایران بر مبنای شاخصه های مذکور و با روش تحلیل کالبدی - محتوایی مورد ارزیابی قرار گرفته است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که رد پای منطقه گرایی و بومگرایی عمدتاً در گرایشاتی قابل بازشناسی است که در ادبیات معماری ایران تحت عنوان (شبه) مدرنیسم ایرانی و یا مدرن تاریخ گرا طبقه بندی شده و بخش عمده ای از موفقترین این آثار در دوره پهلوی دوم خلق گشته اند. نتایج همچنین حاکی از آن است که الهام پذیری صوری و یا مفهومی از الگوهای معماری بومی منطقه در کنار بهره گیری از اصول و الگوهای معماری مدرن از شایع ترین رویکردها در نمونه های مورد بررسی است. در مقابل عدم توجه کافی به سبک زندگی و الگوهای رفتاری بهره برداران و نیز وجوه غیر بصری معماری در طراحی این آثار از جمله کاستی هایی است که رفع آن ضروری به نظر می رسد.

واژه های کلیدی: معماری معاصر ایران، منطقه گرایی انتقادی، بومی، جهانی

۱- مقدمه

اولین طلوع جهانی شدن به عنوان فرایندی که سعی در همسان سازی وجوه متفاوت ساختاری جوامع دارد، در سالهای آغازین پس از انقلاب صنعتی ظهور کرد و به دنبال آن مفهوم مکان و منطقه که تا پیش از آن به واسطه وجوه کالبدی خود معنا می یافت با ابهاماتی متعدد روبرو گشت. این امر صاحب نظرانی را که معتقد به ضرورت حفظ میراث بومی و تمایزات فردی جوامع بودند به تکاپو وا داشت و به شکل گیری گرایشاتی نظیر رمانتیسیسم، تاریخ گرایی، ملی گرایی، بومگرایی و منطقه گرایی در حوزه هایی متفاوت، در قرون ۱۹ و ۲۰ منجر شد؛ در این میان منطقه گرایی در معماری به عنوان رویکردی که در تلاش برای جلوگیری از فرسایش دستاوردهای محلی و منطقه ای در برابر هجوم بی امان الگوهای بی زمان و مکان سبک بین الملل است، در طی قرن بیستم، متأثر از انتقادات وارد شده - از جمله به سبب ارتباط آن با جریان های نژاد پرستانه، رمانتیک و یا پوپولیستی - بارها در معرض جرح و تعدیل قرار گرفت تا اینکه سرانجام توانست در دهه ۸۰ قرن گذشته در قالب کانسپت منطقه گرایی انتقادی جایگاهی تثبیت شده و برجسته را به خود اختصاص دهد. از این رو شناخت دکترین آن در شرایط کنونی حاکم بر عرصه معماری معاصر ایران که نیازمند تبیین صحیح نسبت سنت و مدرنیته است، ضرورتی عاجل محسوب می شود. در همین راستا در مقاله حاضر تلاش شده تا ضمن معرفی رویکرد منطقه گرایی انتقادی در معماری و بنیانهای فکری آن